

استعاره - تشخیص

کتم ز سوز دل کفتم طرح مصرعی

مضمون به داغ غوطه زرد و استعاره سونخت

(بیدل دهلوی)

به کار بردن کلمه‌ای است به جای کلمه‌ی دیگر به دلیل شباهت آن‌ها. در استعاره، لفظ در غیر از معنی حقیقی خود استفاده می‌شود. در حقیقت استعاره از تشبیه حاصل می‌شود، بدین‌گونه که در تشبیه چیز یا کسی را (مشبه) به چیز یا کس دیگری (مشبه‌به) مانند می‌کنیم، اما در استعاره کلمه‌ی دوم را (مشبه‌به) به جای کلمه‌ی اول (مشبه) به کار می‌بریم و در حقیقت مشبه‌به را جایگزین مشبه می‌کنیم. البته ممکن است مشبه را جایگزین مشبه‌به کنیم و این نیز استعاره است.

نکته‌ی (۱): اگر مشبه‌به بیاید به آن استعاره مصرّحه گویند و اگر مشبه بیاید آن را استعاره‌ی مکنیه گویند. البته این اسامی مربوط به اختصاصی انسانی است و سایر رشته‌ها نیاز نیست اسم مصرّحه و مکنیه را بلد باشند.

مثال:

(۱) تشبیه «دیو نفس را در درون خود بکش» را در نظر بگیرید.

در این جا نفس به دیو، تشبیه شده است یعنی: نفس، مشبه است و دیو، مشبه‌به است حال اگر به جای جمله‌ی فوق بگوییم «دیو را در درون خودت بکش» و منظورمان از دیو، نفس باشد، در حقیقت از استعاره استفاده کرده‌ایم و دیو را به دلیل شباهت با نفس، به جای آن به کار برده‌ایم.

(۲) نفسی بیا و بنشین، سخنی بگو و بشنو که به تشنگی بمردم بر آب زندگانی (استعاره از محبوب)
(۳) در چراغ دو چشم او زد تیغ نامدش کشتن چراغ، دریغ (استعاره از چشم)

نکته‌ی (۲): اضافی استعاری نوعی استعاره است.

نکته‌ی (۳): برای تشخیص اضافی استعاری به موارد زیر توجه می‌کنیم:

(الف) ترکیب اضافی باشد نه وصفی.

(ب) کلمه‌ی اول واقعاً مربوط به کلمه‌ی دوم نباشد به عبارتی کلمه‌ی دوم (مضاف‌الیه) را به چیز دیگری تشبیه کرده‌ایم (و آن چیز را نیاورده‌ایم) و کلمه‌ی اول از اجزا یا خصوصیات آن چیز است.

مثال:

دست روزگار } اولاً: ترکیب اضافی است.
ثانیاً: روزگار، دست ندارد بلکه روزگار را به انسانی تشبیه کرده‌ایم که دست (مضاف) از اجزای آن است.

عقره‌ی تاریخ } اولاً: ترکیب اضافی است.
ثانیاً: تاریخ را به ساعتی تشبیه کرده‌ایم که عقره از اجزای آن است.

کنگره‌ی عرش } اولاً: ترکیب اضافی است.
ثانیاً: عرش را به کاخی تشبیه کرده‌ایم که کنگره از اجزای آن است.

نکته‌ی (۴): نوع دیگری از ترکیبات اضافه داریم که به اضافه‌ی اقترانی موسوم است. گرچه این نوع اضافه در کنکور سراسری مستقیماً مورد سؤال قرار نمی‌گیرد اما باید بر آن مسلط بود؛ چرا که در غیر این صورت ممکن است آن را با اضافه‌ی استعاری اشتباه بگیریم و بی‌جهت صنعت استعاره به حساب آوریم. برای تشخیص اضافه‌ی اقترانی چنین می‌کنیم: بین ترکیب مضاف و مضاف‌الیه کلماتی مانند به منظور، به دلیل، به منزله‌ی، به نشانه‌ی و ... می‌آوریم. اگر اضافه‌ی اقترانی باشد می‌توان آن را کامل کرد و کاملاً معنا دارد.

مثال:

«دست ادب» اضافه اقترانی است چرا که «دست به نشانه‌ی ادب دراز کردن» معنا دارد.
 «سر تعظیم» اضافه‌ی اقترانی است چرا که «سر به قصد تعظیم فرود آوردن» معنا دارد.
 اما این قاعده برای اضافه‌ی استعاری صادق نیست.

مثال:

«دست روزگار» اضافه‌ی اقترانی نیست چرا که «دست به منظور روزگار ...» معنا ندارد.

مثال:

مجموعه‌ی مهم‌ترین اضافه‌های استعاری کتاب‌های درسی (بررسی کنید که چرا این مثال‌ها اضافه‌ی استعاری هستند):

دل شب - بازوی دین - رخ کفر - دست باد - کنگره‌ی کبریا - روح بنا - سراپای معماری -
 جان تیرگی - دل خاک - زبان برگ - بازوان اندیشه - دست زمان - جیب مراقبت - قبه‌ی
 عرش - دوش نسیم - خون خورشید - گوش جان - غرق بوسه - بال نسیم - دست جفایه‌ی
 دهر - سرپنجه‌ی گرسنگی - دست هوا - قامت شب - تنفس صبح - آواز گلسنگ - دوش
 زمانه - خاطر غنچه‌ها - رویدن عشق - چشم دل - روی شکوه - فرق فرقدان - دل هر ذره
 - پای اوهام - پایه‌ی افکار - سفت جان - رگ روح - صولت خشم - حمله‌ی حسد - عنوان
 حق - دامان وجود - چنگال ستم‌کاران - نگاه وحشتناک غارها - دل سیاهی - دهن قلماسنگ
 - دامان گلشن - حیثیت مرگ - دست صفات - تارک عرش - دهن لاله - سینه‌ی خشک و
 سوخته‌ی کویر - دست‌های مرگ - آغوش خوشبختی - حلقوم چاه - قلب آن کویر بی‌فریاد - جان
 سیاه شب - دامان حریر الهه‌ی عشق - پای روح - فوران تخیل - سینه‌ی دریا - دل سخن -
 تکبیرة الاحرام علف - قد قامت موج

مثال:

مجموعه‌ی مهم‌ترین اضافه‌های اقترانی کتاب‌های درسی (بررسی کنید که چرا این مثال‌ها اضافه‌ی اقترانی هستند):

دست دریغ - روی ملال - سرانگشت تدبیر - گوش اطاعت - گوش استماع - دست انابت - دست
 خرج - اشک شوق - انگشت تعجب - دندان تحییر - دست رد - پای تعدی - پای بطلان -
 انگشت‌های تشریح - دست ارادت

نکته‌ی (۵): تشخیص (تشخیص بخشیدن، آدم‌نمایی، آدم‌نگاری، personification): نسبت دادن صفات و خصوصیات انسان به غیر انسان را گویند.

نکته‌ی (۶): تشخیص، نوعی استعاره است. چرا که تشخیص به معنی نسبت دادن صفات و خصوصیات انسان است به غیر انسان. از این تعریف می‌توان چنین برداشت کرد که در تشخیص چیزی را به انسان تشبیه کرده‌ایم ولی انسان را نیاورده‌ایم بلکه خصوصیت یا صفت انسان را آورده‌ایم که مشخص است این، خود، نوعی استعاره است یعنی ذکر مشبیه و نیاوردن مشبه. پس:

هر تشخیصی استعاره است. (البته نه برعکس؛ یعنی هر استعاره‌ای الزاماً تشخیص نیست.)

مثال:

«دیوار می‌خندد»، تشخیص دارد پس قطعاً استعاره نیز دارد. (دیوار هم‌چون انسانی است که می‌خندد.)

«پای اوهام»، تشخیص دارد پس قطعاً استعاره نیز دارد. (اوهام هم‌چون انسان پا دارد.)



سراسری

(سراسری خارج از کشور - ۹۴)

۱۰۱ ◀ در منظومه‌ی زیر چند تشخیص وجود دارد؟

«من صدای قدم خواهش را می‌شنوم
و صدای پای قانونی خون را در رگ،
تپش قلب شب آدینه،
شبیبه‌ی پاک حقیقت از دور،
و صدای کفش ایمان در کوچهی شوق،
و صدای باران روی پلک تر عشق،
روی موسیقی غمناک بلوغ»

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

(سراسری ۸۹ - تجربی)

۱۰۲ ◀ در کدام گزینه، همه‌ی ترکیب‌ها، «اضافه‌ی استعاری» اند؟

(۱) لب استخر، گل همیشه بهار، سایش بال، عطر الهام
(۲) دست مهربان مرگ، درخت عزیز، گل خیال، غرفه‌ی بلند آسمان
(۳) سینه‌ی کویر، آغوش خوش‌بختی، سقف شب، دست طبیعت
(۴) پرده‌ی خیال، چشمه‌ی مواج نوازش، سایه‌ی پرواز، زبان گویای خدا

(سراسری ۸۹ - هنر)

۱۰۳ ◀ در کدام گزینه همه‌ی ترکیب‌ها، «اضافه‌ی استعاری» است؟

(۱) خصلت طمع، گردن استکبار، بیابان ضلالت، قالب قصیده
(۲) جام عافیت، پای تعدی، قدر نعمت، تیه گمراهی
(۳) حمله‌ی حسد، پرده‌ی عفاف، لجاج شهوت، حوزه‌ی عاطفی
(۴) فریاد هستی، دامن خاک، روح کلام، صولت خشم

(سراسری ۸۹ - انسانی)

۱۰۴ ◀ در کدام گزینه، همه‌ی ترکیب‌ها، «اضافه‌ی استعاری» اند؟

(۱) عتاب معلم، مرغان بیشه، صفحه‌ی ضمیر، امید دیدار
(۲) سر خویش، لطافت طبع، زبان تدریس، فرقت یار
(۳) آفتاب وفا، همه‌می شاگردان، بانگ طرب، خار غم
(۴) شتاب مرگ، طره‌ی پرچین عشق، قفای مراقبت، گریبان مکاشفت

(سراسری ۸۸ - تجربی)

۱۰۵ ◀ آرایه‌ی «استعاره» در کدام بیت بیش تر است؟

(۱) هر کجا نقاش نقش قامت و لعلش کشید
(۲) به خنده از لب خود پُر شکر کنی دامن
(۳) به چون تو محتشمی بی‌بها سخن ندهم
(۴) چون بگویی بفشانی گهر از حقّه‌ی لعل
جلوه‌ی طوبی نگر، سرچشمه‌ی کوثر ببین
مرا چو چشم دراندازد از گریبان دُر
بده ز لعل شکر بار قند و بستان دُر
چون بخندی بنمایی ز شکر مروارید

- ۱۰۶ ◀ در کدام بیت، تعداد «استعاره» بیش‌تر از ابیات دیگر است؟ (سراسری ۸۷- زبان)
- (۱) پرتو خورشید عشق بر همه افتاد ولیک
(۲) یک سر به پای همت از این دامگاه دیو
(۳) به خنده ای بت بادام چشم شیرین لب
(۴) چون بگویی بفشانی گهر از حقه‌ی لعل
- ۱۰۷ ◀ در همه‌ی بیت‌ها، به استثنای بیت، هر دو آرایه‌ی «استعاره» و «تشخیص» به کار رفته است. (سراسری ۸۷- انسانی)
- (۱) به تیره‌روزی من چشم روزگار گریست
(۲) ز سخت جانی آینه حیرتی دارم
(۳) سزد که اهل نظر سینه را نشان سازند
(۴) ز هر طرف به ظلم نیازمندی چند
- ۱۰۸ ◀ در کدام بیت استعاره از نوع تشخیص به کار نرفته است؟ (سراسری ۸۴- انسانی)
- (۱) در این بازاراگر سودی است بادرویش خرسنداست
(۲) فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
(۳) در آفاق گشاده است ولیکن بسته است
(۴) گل بخندید و باغ شد پدرام
- ۱۰۹ ◀ در کدام بیت «استعاره» به کار رفته است؟ (سراسری ۸۴- انسانی)
- (۱) من آنم که در پای خوکان نریزم
(۲) به نظم اندر آری دروغی طمع را
(۳) به علم و به گوهر کنی مدحت آن را
(۴) اگر شاعری را تو پیشه گرفتی
- ۱۱۰ ◀ در کدام عبارت، آرایه‌ی «جان‌بخشی» دوبار به کار رفته است؟ (سراسری ۸۳- انسانی)
- (۱) اشک‌ها به روی گونه‌ها می‌لغزید و بر پیشانی خاک بوسه می‌نهاد.
(۲) دشت، سینه‌ی داغش را در برابر وزش نسیم ملایمی قرار داده بود.
(۳) در عمق وجدان خویش، به پایمردی خیال، از صحراهای سیاه قرون تهی می‌گذریم.
(۴) نوروز، روزگاری در کنار مغان، اوراد مهرپرستان را خطاب به خویش می‌شنیده است.
- ۱۱۱ ◀ در کدام بیت «تشخیص» (Personification) مشهود نیست؟ (سراسری ۸۲- تجربی)
- (۱) این سر به مهر نامه بدان مهربان رسان
(۲) ای صبح دم، بین که کجا می‌فرستم
(۳) باد صبا دروغ زن است و تو راست گوی
(۴) دست هوا به رشته‌ی جان‌بر، گره زده‌ست
- ۱۱۲ ◀ در همه‌ی ابیات به‌جز بیت، آرایه‌ی «استعاره» به کار رفته است. (سراسری ۸۲- زبان)
- (۱) درون دلت شهر بند است راز
(۲) صدقوار گوهرشناسان راز
(۳) از آن مرد دانا دهان دوخته است
(۴) حذر کن ز نادان ده مرده گوی
- چون مرغ بر پرید و مقرر بر قمر کنید
شکر بریزد از آن پسته‌ی دهان که تو راست
چون بخندی بنمایی ز شکر مروارید
ندانم آن مه تابان چه در کمان دارد
که تاب جلوه‌ی آن یار مهربان دارد
که ترک عشوهری تیر در کمان دارد
رخ نیاز بر آن خاک آستان دارد
خدایا منعم گردان به درویشی و خرسندی
شرمند رهروی که عمل بر مجاز کرد
از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر
ای خوشا این جهان بدین هنگام
مر این قیمتی در لفظ دری را
دروغ است سرمایه مر کافری را
که مایه است مر جهل و بدگوهری را
یکی نیز بگرفت خنیاگری را
- چو دانا یکی گوی و پرورده گوی

(سراسری ۸۱ - ریاضی)

تو را دریای رحمت بی‌کران است
خرد را دیده، خواب‌آلوده دیدم
که مطلق یوسف مصر است گویی
در آن شادی، خدا را یاد داری

۱۱۳ در کدام گزینه، «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) اگرچه جرم او کوه گران است
- ۲) ز عشق، آفاق را پُر دود دیدم
- ۳) چنان مشهور شد در خوب‌رویی
- ۴) پس آن بهتر که خود را شاد داری

(سراسری ۸۱ - تجربی)

خدا توبه دهدات زین دو رنگی
که بدکاری است دشمن‌کامی ای دوست
به گل‌رخ گفت کای سرو سمن چهر
به از حاجت به نزد ناسزاوار

۱۱۴ در کدام گزینه، آرایه‌ی «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) گهی با من به صلحی گه به جنگی
- ۲) به کام دشمنم کردی نه نیکوست
- ۳) دگر باره جهاندار از سر مهر
- ۴) به ناخن سنگ برکنند ز کهسار

(سراسری ۸۱ - زبان)

بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است
دل فرزانه شاپور آگهی داشت
جوانی نام او فرزانه فرهاد
این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند

۱۱۵ در کدام گزینه «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) پیش صاحب نظران ملک سلیمان باداست
- ۲) از این اندیشه کان سرو سهی داشت
- ۳) که هست این‌جا مهندس مردی استاد
- ۴) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان

(سراسری ۸۱ - هنر)

یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی
به مروا تا کنون در گل تن الب ارسلان بینی
به سوی عیب چون پویی گر او را غیب دان بینی
از این آیین بی‌دینان، پشیمانی، پشیمانی

۱۱۶ در کدام گزینه، آرایه‌ی «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) دل‌اتاکی در این زندان فریب‌این و آن بینی
- ۲) سربالارسلان دیدی ز رفعت‌رفته بر گردون
- ۳) عطا از خلق چون جویی گر او را مال ده گویی
- ۴) مسلمانان، مسلمانان، مسلمانی، مسلمانی

(سراسری ۸۱ - انسانی)

من و ساقی بر او تازیم و بنیادش براندازیم
آینه‌ای ندارم از آن آه می‌کشم
تا طبیبش به سر آریم و دوائی بکنیم
غم هجران تو را چاره ز جایی بکنیم

۱۱۷ در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی، آرایه‌ی «تشخیص» موجود است.

- ۱) اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
- ۲) حسن عروس طبع مرا جلوه آرزوست
- ۳) دل بیمار، شد از دست، رفیقان مددی
- ۴) ما بر آریم شبی دست و دعایی بکنیم

(سراسری ۸۱ - انسانی)

«ژاله از نرگس چکید و برگ گل را آب داد / وز تگرگ نازپرور مالش عَناب داد»

۱۱۸ در بیت زیر جمعاً چند «استعاره» وجود دارد؟

- ۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

(سراسری ۷۹ - ریاضی)

۱) پشت باغ، صخره‌ای پوشیده از گیاه و گل سر به سوی آسمان کرده است.
۲) تو آن کشتی‌ای که مغرورانه باد در بادبان افکنده تا سینه‌ی دریا را بشکافد.
۳) در باغ زیبا گل سرخ و زنبق کنار هم شکفته‌اند تا بر رخ ژاله‌ی بامدادی بوسه زنند.
۴) همه‌جا، مانند آن روزگاران که من در آتش عشق می‌گداختم، از عطر گل آکنده شده است.

۱۱۹ در کدام گزینه، «تشخیص» (= Personification) به کار نرفته است؟

- ۱) پشته باغ، صخره‌ای پوشیده از گیاه و گل سر به سوی آسمان کرده است.
- ۲) تو آن کشتی‌ای که مغرورانه باد در بادبان افکنده تا سینه‌ی دریا را بشکافد.
- ۳) در باغ زیبا گل سرخ و زنبق کنار هم شکفته‌اند تا بر رخ ژاله‌ی بامدادی بوسه زنند.
- ۴) همه‌جا، مانند آن روزگاران که من در آتش عشق می‌گداختم، از عطر گل آکنده شده است.

(سراسری ۷۹ - تجربی)

۱۲۰ در کدام گزینه، «تشخیص» (Personification) وجود دارد؟

- ۱) زمی ز اردیبهشت گشته بهشت برین
- ۲) گشت نگارین تذرو پنهان در مرغزار
- ۳) لاله سوی جویبار، خرگه بیرون زده است
- ۴) چوک ز شاخ درخت خویشتن آویخته

۱۲۱ ◀ در همه‌ی گزینه‌ها به بجز گزینه‌ی آرایه‌ی «تشخیص» به کار رفته است.

(سراسری ۷۹ - انسانی)

- ۱) دید مجنون را یکی صحرانورد
- ۲) سرو سماغی کشید بر دو لب جویبار
- ۳) حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد
- ۴) از آن مرد دانا دهان دوخته است

۱۲۲ ◀ در کدام بیت، «تشخیص» (Personification) به کار رفته است؟

(سراسری ۷۸ - ریاضی)

- ۱) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست
- ۲) در شمار ار چه نیابود کسی حافظ را
- ۳) از در درآمدی و من از خود به در شدم
- ۴) آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود

۱۲۳ ◀ در کدام بیت، «تشخیص» (Personification) به کار رفته است؟

(سراسری ۷۸ - تجربی)

- ۱) شبی گیسو فرو هشته به دامن
- ۲) شبی چو چاه بیژن تنگ و تاریک
- ۳) فرو بارید بارانی ز گردون
- ۴) همی راندم فرس را من به تقرب

۱۲۴ ◀ در کدام گزینه، «استعاره» وجود دارد؟

(سراسری ۷۸ - تجربی)

- ۱) توانگر فاسق کلوخ زرانود است.
- ۲) چراغ حیات به وزش باد ممت فرو می‌رود.
- ۳) در زیر این طاق بلند، سخن از عدالت بسیار گفته‌اند.
- ۴) علم، سلاح جنگ شیطان است.

۱۲۵ ◀ در کدام بیت، آرایه‌ی «تشخیص»، موجود است؟

(سراسری ۷۸ - انسانی)

- ۱) چرا گوید آن چیز در خفیه، مرد
- ۲) عشق، دریایی کرانه ناپدید
- ۳) مهمان سراسر خانه‌ی دنیا که اندرو
- ۴) من خفته بدم به ناز در کنم عدم

۱۲۶ ◀ در هر بیت، به بجز بیت ...، «تشخیص» به کار رفته است.

(سراسری ۷۸ - انسانی)

- ۱) ای دل من تو را بشارت باد
- ۲) تا مرا عشق تو تعلیم سخن گفتن کرد
- ۳) تو را ز کنگره‌ی عرش می‌زند صغیر
- ۴) دیده‌ی عقل مست تو، چرخه‌ی چرخ پست تو

۱۲۷ ◀ در کدام گزینه از «آدم‌نمایی» استفاده شده است؟

(سراسری ۷۷ - تجربی)

- ۱) روزی ز سر سنگ، عقابی به هوا خاست
- ۲) سخن کم گوی تا در کار گیرند
- ۳) طی این مرحله بی‌همراهی خضر مکن
- ۴) ناله‌ی مظلوم در آهن، سرایت می‌کند

- بهر طلب طعمه، پر و بال بیاراست
- که در بسیار، بد بسیار گیرند
- ظلمات است بترس از خطر گمراهی
- زین سبب در خانه‌ی زنجیر دایم شیون است

۱۲۸ ◀ در کدام گزینه، به غیر انسان، شخصیت و ویژگی انسانی، بخشیده شده است؟

(سراسری ۷۷- انسانی)

- ۱) آدمی با هر یک از قوای ذهنی و روحی خود، از گل حظاً و نصیبی می‌برد.
- ۲) شاعران در گل هزاران مضمون نغز و معنی لطیف یافته‌اند.
- ۳) طیبیان نیز داروی دردهای مختلف را در گل یافته‌اند.
- ۴) مردم چشم از زیبایی‌های چشم‌نواز گل، برای ما حکایت‌ها دارد.

۱۲۹ ◀ در کدام بیت از «تشخیص» استفاده شده است؟

(سراسری ۷۷- انسانی)

- ۱) بر آبخورد آخر مقدم تشنگانند می ده حریفانم صبوری می‌توانند
- ۲) در جام من می پیش‌تر کن ساقی امشب با من مدارا بیش‌تر کن ساقی امشب
- ۳) روزی که در جام شفق مل کرد خورشید بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید
- ۴) من زخم خوردم صبر کردم دیر کردم من با حسین از کربلا شبگیر کردم

۱۳۰ ◀ در همهی گزینه‌ها، به جز گزینه ی، به غیر انسان، شخصیت انسانی بخشیده

(سراسری ۷۵- ریاضی)

- ۱) به آوای نای و به آهنگ چنگ خروشد ز سرو و سمن، تارها
- ۲) بهاران که شاباش ریزد سپهر به دامن گلشن ز رگبارها
- ۳) به جز اشک چشم و به جز داغ دل نباشد به دست گرفتارها
- ۴) کشد رخت سبزه به هامون و دشت زند بارگه گل، به گلزارها

۱۳۱ ◀ در کدام گزینه، «تشخیص» به کار نرفته است؟

(سراسری ۷۵- ریاضی)

- ۱) کالبد بنا، مینایی است که روح ایران را در آن حبس کرده‌اند.
- ۲) چه می‌خواهند بگویند این بوته‌ها و خطاها و اسلامی‌ها که در هم می‌پیچند؟
- ۳) دمدمه‌های اردیبهشت، اصفهان آرام آرام از خواب بیدار می‌شود.
- ۴) درخت‌ها از زر سُرخند و شاخه‌ها از مروارید و میوه‌های لذیذ بر آن‌ها رویده است.

۱۳۲ ◀ کدام گزینه «اضافه‌ی استعاری» است؟

(سراسری ۷۵- تجربی)

- ۱) چشم دل (۲) شاهد مقصود (۳) کوه غم (۴) مهد زمین

۱۳۳ ◀ در کدام گزینه «تشخیص» به کار نرفته است؟

(سراسری ۷۵- انسانی)

- ۱) اگر ز خلق ملامت و گر ز کرده ندامت کشیدم از تو کشیدم شنیدم از تو شنیدم
- ۲) به روی بخت ز دیده، ز چهر عمر به گردون گهی چو اشک نشستم، گهی چو رنگ پریدم
- ۳) چو شمع خنده نکردی مگر به روز سیاهم چو بخت جلوه نکردی مگر ز موی سپیدم
- ۴) نبود از تو گزیری چنین که بار غم دل ز دست شکوه گرفتم به دوش ناله کشیدم

۱۳۴ ◀ در بیت: «چون صفیری بشنوی از مرغ حق / ظاهرش را یادگیری چون سبق»، ترکیب «مرغ

(سراسری ۷۴- ریاضی)

حق» استعاره از کیست؟

- ۱) عالم خردمند
- ۲) صوفی ظاهرین
- ۳) دانشمند ساده‌اندیش
- ۴) عارف روشن‌ضمیر

۱۳۵ ◀ در کدام گزینه، صنعت «استعاره»، به کار رفته است؟

(سراسری ۷۴- تجربی)

- ۱) از اسبان جنگی فرود آمدند
- ۲) سیه زاغ پُرآن فرو برد سر
- ۳) یکی خنجر آبگون برکشید
- ۴) یکی مهره بر بازوی من بیست

(سراسری ۷۴- هنر)

۱۳۶ ◀ در کدام گزینه «استعاره» نیست؟

- (۱) تخم خرمایی، نخل باسق گشته بود.
- (۲) صبا شکفتن ساغر میگون را به بلبل خبر داده بود.
- (۳) فزاش باد صبا، فرش زمردین را در گلزار گسترده بود.
- (۴) عقد ثریا از تاکش آویخته بود.

(سراسری ۷۴- هنر)

۱۳۷ ◀ در کدام بیت عمل «تشخیص بخشیدن» به کار رفته است؟

- (۱) اشجار گونه‌گون و شکفته میانشان / گل‌های سیب و آلو و آبی و آمروند
- (۲) بنگر یکی به رود خروشان به وقت آنک / دریا پی پذیره‌اش آغوش برگشود
- (۳) جای دگر بنفشه یکی دسته بدروند / وین جایگه بنفشه به خرمن توان درود
- (۴) آن شاخه‌های نارنج اندر میان ابر / چون پاره‌های اخگر اندر میان دود

(سراسری ۷۳- ریاضی و هنر)

۱۳۸ ◀ «مفعول» در کدام گزینه، دارای صنعت «استعاره» است؟

- (۱) باران اشک، از ابر دیدگان، جاری ساخت.
- (۲) ظلمت جهل را از اندیشه‌ی خود دور کرد.
- (۳) دیو نفس را در وجود خود نابود کرد.
- (۴) دیو را در وجود خود نابود کرد.

(سراسری ۷۳- انسانی)

۱۳۹ ◀ در کدام گزینه «تشخیص بخشیدن» به کار نرفته است؟

- (۱) درختان در دو طرف جاده صف کشیده، منتظر قدم بهار بودند.
- (۲) شاخه‌های بید، در برابر نسیم سحری می‌رقصیدند.
- (۳) غنچه‌ی نورسته از میان شاخه‌ها سر برمی‌آورد و بر چشمه‌ی خورشید می‌نگرد.
- (۴) گل‌های رنگارنگ در سرتاسر ساحل رودخانه می‌رویند.

(سراسری ۷۳- انسانی)

۱۴۰ ◀ کدام ترکیب «اضافه‌ی استعاری» است؟

- (۱) برق عجب / پرده‌ی اشک
- (۲) روح باران / کوره‌ی چشم

۱۴۱ ◀ «مذبح زر» در بیت: «وز مذبح زر چو شد به کیوان / هر صبح شمیم عنبر و عود»، «استعاره» از چیست؟

(سراسری ۷۳- انسانی)

- (۱) آفتاب نیمروز / افق سپیده دم
- (۲) غروب آفتاب / قریانگاه طلایی

(سراسری ۷۱- انسانی)

۱۴۲ ◀ در کدام گزینه صنعت «استعاره» وجود دارد؟

- (۱) سرو او از غم جانکاه خمید.
- (۲) از نرگس چشمش، مروارید اشک می‌ریزد.
- (۳) من داستان شیرین را خوانده‌ام.
- (۴) چراغ دانش را در خانه‌ی دل برافروخت.

(سراسری ۷۰- انسانی)

۱۴۳ ◀ کدام گزینه، اضافه‌ی استعاری است؟

- (۱) باد مامت / چراغ حیات
- (۲) رخسار زمان / قامت سرو

تألیفی

۱۴۴ ◀ در چهار بیت زیر مجموعاً چند استعاره موجود است؟

- «کس چو حافظ نگوشت از رخ اندیشه نقاب / تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند
شمس و قمرم آمد، ستم و بصرم آمد / وان سیم‌برم آمد و آن کان زرم آمد
چو دریای خون شد همه دشت و راغ / جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ
آن شاخه‌های نارنج اندر میان ابر / چون پاره‌های اخگر اندر میان دود»
- (۱) پنج (۲) چهار (۳) شش (۴) هفت

۱۴۵ ◀ در کدام گزینه «استعاره» دیده نمی‌شود؟

- ۱) شکر فروش که عمرش دراز باد چرا
- ۲) ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست
- ۳) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۴) غرور حسن اجازت مگر نداد ای گل

۱۴۶ ◀ در کدام گزینه استعاره‌ها بیش ترند؟

- ۱) چو تنها ماند ماه سرو بالا
- ۲) به آواز بر جان افراسیاب
- ۳) یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران
- ۴) مرا برف باریده بر پرّ زاغ

۱۴۷ ◀ در کدام بیت «استعاره» وجود دارد؟

- ۱) آه از آن جو رو تطاول که در این دامگه است
- ۲) شاکر نعمت به هر مقام که بودیم
- ۳) یاد باد آن که سر کوی توام منزل بود
- ۴) ما برون را ننگریم و قال را

۱۴۸ ◀ در کدام بیت «تشخیص» نمی‌یابید؟

- ۱) خرد زنده‌ی جاودانی شناس
- ۲) کریمان را به دست اندر دم نیست
- ۳) چرخ ارچه رفیع، خاک پایت
- ۴) تو را صبا و مرا آب دیده شده غماز

۱۴۹ ◀ در کدام بیت «مضاف‌الیه» استعاره دارد؟

- ۱) من این کنم و بود که آید
- ۲) تا چشم بشر نبیندت روی
- ۳) از سر بکش آن سپید معجر
- ۴) از برق تنورهات بتابد

۱۵۰ ◀ در بیت: «عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت/ فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود»،

کدام واژه استعاره دارد؟

- ۱) جادو ۲) جهان ۳) نرگس ۴) عالم

۱۵۱ ◀ در کدام بیت «استعاره» دیده می‌شود؟

- ۱) گرم باز آمدی محبوب سیم‌اندام سنگین دل
- ۲) خرم تن او که چون روانش
- ۳) دیده‌ی عقل مست تو، چرخ‌هی چرخ‌پست تو
- ۴) نالم ز دل چو نای من اندر حصار نای

تفقّدی نکند طوطی شکرخا را
سهی قدانِ سیه چشم ماه سیما را
که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
که پرشسی نکنی عندلیب رعنا را

فشانند از نرگسان لؤلؤی لالا
بنفرید با نرگس و گل پر آب
تنها به قفس ماند هزاران همه رفتند
نشاید چو بلبل تماشای باغ

آه از آن سوز و گدازی که در آن محفل بود
داعی دولت به هر طریق که هستیم
دیده را روشنی از خاکِ درت حاصل بود
ما درون را بنگریم و حال را

خرد مایه‌ی شادمانی شناس
خداوندان نعمت را کرم نیست
عقل ارچه بزرگ، طفل راحت
وگرنه عاشق و معشوق رازدارانند

نزدیک تو این عمل خوشایند
بنهفته به ابر، چهر دل‌بند
بنشین به یکی کبود اورند
ز البرز اشعه تا به الوند

گل از خارم بر آوردی و خار از پای و پای از گل
از تن برود، سخن روان است
گوش طرب به دست تو، بی تو به سر نمی‌شود
پستی گرفت همت من زین بلند جای